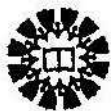


سیاستهای مقایسه‌ای

دکتر سید عبدالعلی قوام

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

قوام، عبدالعلی، ۱۳۲۴ -
سیاستهای مقایسه‌ای/عبدالعلی قوام. — تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم
انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۰.
شش، ۲۱۸ ص.: جدول، نمودار. — («سمت»؛ ۱۱۹. علوم سیاسی؛ ۴)
بها: ۷۰۰۰۰ ریال.
ISBN 978-600-02-0157-9
پشت جلد به انگلیسی: **Abdol-All Ghavam. Comparative Politics.**
چاپ اول: زمستان ۱۳۷۳، چاپ سوم: تابستان ۱۳۸۰ (با اضافات)، چاپ پانزدهم: بهار
۱۳۹۴.
کتابنامه
۱. حکومت تطبیقی. الف. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها
(سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۹ ق ۲ / ج ۱۳۵۸ / ج ۳ / ۳۲۰ / ۳
۱۳۸۰
شماره کتابشناسی ملی
۲۱۹۷۰۶۷

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



سیاستهای مقایسه‌ای

دکتر سید عبدالعلی قوام (استاد دانشگاه شهید بهشتی)

ویراسته محسن مدیرشانه‌چی

چاپ اول: زمستان ۱۳۷۳

چاپ سوم: تابستان ۱۳۸۰ (با اضافات)

چاپ پانزدهم: بهار ۱۳۹۴

تعداد: ۲۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ: مهر (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل
توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،
روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا
عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن «سمت»

یکی از هدفهای مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گامهایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم پردازد و در رشته های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوریهای پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درسهای «نظامهای سیاسی تطبیقی»، «نوسازی و دگرگونی سیاسی» و «مسائل منطقه ای» به ارزش ۶ واحد تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، دست اندرکاران امور اجرایی و برنامه ریزی نیز از آن بهره مند شوند.

کتاب حاضر در چاپ پانزدهم مجدداً آماده سازی صورتی و فنی شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: برداشتهای جدید از سیاستهای مقایسه‌ای
۱۱	اولویتها در سیاستهای مقایسه‌ای
۱۴	منابع
۱۵	فصل دوم: روش مقایسه‌ای و ساختار الگو
۱۹	سطوح تحلیل در مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای
۲۲	منابع
۲۳	فصل سوم: الگو به عنوان چهارچوبی مشترک در مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای
۲۷	الگو و سازماندهی اطلاعات
۲۸	مدلها و شبه مدلها در فرایند مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای
۳۰	منابع
۳۱	فصل چهارم: بهره‌گیری از تحلیل سیستمی در سیاستهای مقایسه‌ای
۳۲	شناسایی پارامترهای نظام
۴۸	منابع
۴۹	فصل پنجم: بررسی سیاستهای مقایسه‌ای براساس تحلیل کارکردی
۵۱	منطق کارکردگرایی عام
۵۷	کارکردگرایی مرتن
۶۰	تحلیل ضروری و لایه‌بندی اجتماعی ابتر
۶۴	ارزیابی کلی تحلیل کارکردی
۶۷	منابع

۶۹	فصل ششم: فرهنگ سیاسی: پیوند میان تحلیل خرد و کلان
۷۰	فرهنگ سیاسی و مختصات آن
۷۲	انواع فرهنگ سیاسی
۷۸	الگوهای فرهنگ سیاسی
۸۱	فرهنگ سیاسی خرد و کلان
۸۴	منابع
۸۵	فصل هفتم: مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای در چهارچوب رهیافتهای توسعه و نوسازی
۸۸	بررسی نظامهای مختلط یا انتقالی
۹۶	توسعه سیاسی به مثابه یک فرایند پویا
۱۰۰	رقابت رهیافتهای گوناگون نوسازی در فرایند مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای
۱۰۵	مفروضات نظری و روش‌شناسی رهیافت نوسازی
۱۰۶	مطالعات کلاسیک نوسازی
۱۱۴	مطالعات جدید نوسازی
۱۲۲	منابع
۱۲۴	فصل هشتم: طبقه‌بندی نظامهای سیاسی
۱۲۶	مقایسه نظامهای سیاسی براساس ایجاد ابزارهای مؤثر قدرت
۱۳۴	توزیع قدرت سیاسی
۱۴۶	مقایسه نظامهای سیاسی براساس ایجاد اقتدار مشروع
۱۵۳	منابع
۱۵۵	فصل نهم: شاخصهای عمده بررسی در مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای
۱۵۵	۱. تاریخ و فرهنگ سیاسی
۱۷۳	۲. شرایط اجتماعی سیاست
۱۷۸	۳. شهروندان و سیاست
۲۱۷	منابع

مقدمه

سیاستهای مقایسه‌ای یکی از شاخه‌های مطالعاتی علوم سیاسی به شمار می‌رود که از دیرباز به عنوان شیوه‌ای در نگرش به سیاست مورد بحث و بررسی فلاسفه و اندیشمندان قرار گرفته است. عرصه پهناور این مقوله سبب شده است تا محققان سیاست هر یک از زاویه‌ای خاص به آن بنگرند و موضوعات معینی را در این حوزه بگنجانند. ارسطو با مقایسه قوانین اساسی یونان و براساس معیارهایی چون میزان مشارکت مردم در حکومت و نیز وضع صاحبان قدرت از لحاظ توجه یا بی‌توجهی به مصالح عامه، نمونه‌های مطلوب و نامطلوب حکومتها را از یکدیگر تفکیک کرده است. در مراحل بعد متفکرانی همچون ماکیاولی، منتسکیو و مارکس از بُعد مقایسه‌ای به بررسیهای خود پرداخته‌اند. برای نمونه مارکس در طبقه‌بندی خود از نظامهای اجتماعی - اقتصادی، آنها را به برده‌داری، فئودالیسم و سرمایه‌داری تقسیم کرده و ماکس وبر نیز از لحاظ منابع اقتدار و مشروعیت، نظامهای سیاسی را به صورتهای سنتی، فرهمندی و قانونی - منطقی مورد مقایسه قرار داده است. همچنین آیزنشتات به تقسیم‌بندی وبر از نظامهای پدرانیه، موروثی و فئودال، نظام دیگری را با عنوان «امپراتوری بوروکراتیک» می‌افزاید. نویسندگان دیگری همانند «آلکسی دو توکویل»^(۱) و «لرد جیمز بریس»^(۲) مطالعات گسترده‌ای در مورد جامعه و نظام امریکا و مقایسه آن با نظامهای اروپایی به عمل آورده‌اند.

مجموعه بررسیهای مزبور نشان‌دهنده این مطلب است که علم سیاست زمانی از شکوفایی لازم برخوردار بوده که با آن برخوردی مقایسه‌ای شده است. از طرفی باید اذعان داشت که دانشمندان پیشین تاریخ فلسفه سیاسی، درحقیقت به نوعی پژوهشگران سیاستهای مقایسه‌ای بوده‌اند.

در چهارچوب سیاست‌های مقایسه‌ای می‌توان به شیوه کار حکومتها و تعامل میان ساختارهای مختلف پی برد و عملکرد نظامهای گوناگون را با یکدیگر مقایسه کرد. دسترسی به یک الگو یا نمونه‌ی اعلیٰ، تصویری از گونه‌شناسیهای مختلف به دست خواهد داد تا با اندوخته‌های تجربی بتوان داده‌های معدود را در موارد زیاد بررسی کرد و سپس به یک سلسله اصول و قواعد کلی دست یافت.

با آنکه مطالعات مقایسه‌ای از دوران ارسطو رایج بوده و وی از طریق مقایسه قوانین اساسی یونان باستان، شیوه زندگی مردم، توزیع ثروت، مسائل تعلیم و تربیت، اعتقادات مذهبی و سازمانهای سیاسی را بررسی کرده است، ولی بدیهی است که از آن زمان تاکنون جوامع ساختارهای پیچیده‌تری یافته‌اند و فرایند سیاست‌گذاریها دچار تنوع بیشتری شده است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان به سادگی برای توضیح و تحلیل ساختارهای حکومتی و غیر حکومتی به یک نظریه عمومی دست یافت. ضمناً توسعه ارتباطات، پویایی جوامع، وابستگیهای متقابل میان نظامهای گوناگون و سرانجام تعامل میان رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی واحدهای سیاسی، پژوهشگر را در وضعیتی قرار می‌دهد که نمی‌تواند واحدهای ملی را در مدار بسته خود و مستقل از دیگر عوامل بررسی و تحلیل کند.

تا پیش از جنگ جهانی دوم، مطالعه سیاست‌های مقایسه‌ای با وجود ناقص بودن آن، به علت محدود بودن حوزه بررسی با دشواریهای کمتری مواجه بود؛ زیرا تعداد کم متغیرها که از تعداد اندک واحدهای سیاسی مستقل ناشی می‌شد، محقق را بر آن می‌داشت تا صرفاً به مقایسه نهادهای رسمی و ساختارهای قانونی دولتهای مستقل مبادرت ورزد و تا اندازه‌ای به دلیل همگنی و یکنواخت بودن جامعه بین‌المللی به یک سلسله قانونمندیهای دست‌یابد. هرچند در روند مطالعات مزبور محقق قادر به تعمیم داده‌های مربوط در سطح جهانی نبود.

بدیهی است که توجه صرف به قوانین اساسی کشورها به هیچ وجه گویای کارکردهای واقعی نظامهای سیاسی گوناگون نیست؛ چرا که بسیاری از رفتارهای

سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را باید بر پایه قوانین نانوشته بررسی کرد. در گذشته، نبود تشکیلات و ساختارهای غیر حکومتی نظیر نهادهای صنفی، احزاب سیاسی و جز اینها سبب می‌شد تا قدرت در انحصار حکومت باقی بماند و توده مردم صرفاً تأیید کننده رفتار سیاسی نخبگان حکومتی باشند. چنین وضعیتی با آنکه کار محقق سیاست را از لحاظ بررسی و مقایسه حکومت‌های گوناگون ساده می‌کرد، ولی باز گوکننده تواناییهای بالقوه نظام سیاسی نبود.

از آنجا که تعداد معدودی از واحدهای حکومتی از قانون اساسی برخوردار بودند، محقق سیاست نمی‌توانست از حوزه مطالعاتی معینی که معمولاً به پاره‌ای از کشورهای مغرب‌زمین محدود می‌شد، پا فراتر گذارد و داده‌های مزبور را از لحاظ شیوه کار نظام‌های سیاسی تعمیم دهد. بهره‌گیری از مطالعات حقوق تطبیقی برای مقایسه حکومت‌های گوناگون سبب می‌شد تا عالم سیاست خود را در حصار بررسی‌های حقوقی و تاریخی محبوس کند و مطالعات مزبور از توصیف و توضیح وضع موجود و ساختارهای حاکم بر جامعه فراتر نرود. در این راستا محقق سیاست هیچ‌گاه از خود نمی‌پرسید که چرا در برخی از کشورها فکر دموکراسی راه یافته است و چرا در بعضی از جوامع احزاب سیاسی از کارایی لازم برخوردار نبوده‌اند.

وجود استعمار در کلیه اشکال آن (قیمومت، تحت‌الحمایگی و جز اینها) باعث شد تا بخش بزرگی از جهان از شمول مطالعات سیاست‌های مقایسه‌ای خارج نگه داشته شود. ضمناً خود محققان سیاست نیز به علت نداشتن اطلاعات کافی در مورد این سرزمینها و نیز آشنا نبودن با زبانهای غیر اروپایی علاقه چندانی به مقایسه این نظامها نداشتند.

ظهور کشورهای نواستقلال پس از جنگ جهانی دوم، مطالعه سیاست‌های مقایسه‌ای را که قبلاً به تعدادی از کشورهای غربی و ژاپن (و در پاره‌ای از موارد به برخی از اعضای جامعه مشترک‌المنافع بریتانیا) محدود می‌شد، با دشواریهای زیادی روبه‌رو ساخت و پژوهشگران سیاست‌های مقایسه‌ای را بر آن داشت تا در بررسی‌های خود نظامهایی را که از لحاظ فرهنگی به کلی با جوامع غربی متفاوت بودند، مورد

مطالعه قرار دهند.

وجود جهت‌گیریهای گوناگون، درجات متفاوت توسعه‌نیافتگی، تنوع گسترده در نهادهای حکومتی و زمینه‌های متفاوت تاریخی، پژوهشگر سیاستهای مقایسه‌ای را واداشت که با رهیافتهای سنتی وداع گوید و با بهره‌گیری از روشهای نوین که توضیح‌دهنده تعامل میان متغیرهای فراوان است، مأنوس شود. در این وضعیت تنوعات کیفی نظامهای گوناگون سیاسی بیش از افزایش کمی آنها جلب نظر می‌کرد. قابل توجه آنکه تقریباً ۶۳ درصد واحدهای سیاسی و ۷۵ درصد جمعیت جهان را کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین تشکیل می‌دادند.

به این ترتیب از آن پس محقق سیاست نمی‌توانست صرفاً خود را در محدوده مطالعه قوانین، ایدئولوژیها و نهادهای حکومتی قرار دهد و تنها از بعد حقوقی به مقایسه قوانین اساسی کشورهای مختلف بپردازد؛ بلکه ضرورت داشت تا علاوه بر بررسی عوامل مزبور، کلیه ساختارها و فرایندهایی را که به نحوی از انحا در خطمشی سیاسی و مسائل سیاست‌گذاری نقش داشتند، مورد امعان نظر قرار دهد. در چهارچوب این مطالعات، فرایندهای حکومتی، احزاب سیاسی، گروههای ذی‌نقوذ، فرایندهای انتخاباتی، اشکال گوناگون ارتباطات سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و جز اینها در نظامهای اروپایی، امریکایی و مناطق غیر غربی مورد مقایسه قرار گرفتند و چنانچه محقق این متغیرها را در مطالعات مقایسه‌ای مورد انکار قرار می‌داد، در تعمیم یافته‌های خویش با مشکلات زیادی مواجه می‌شد.^(۳)

عامل دیگری که در گستردگی فضای مطالعاتی سیاستهای مقایسه‌ای نقش عمده‌ای داشت، دگرگونی فضای ایدئولوژیک نظام بین‌الملل بود. پس از پایان جنگ دوم و ظهور کشورهای سوسیالیستی در اروپا و سایر نقاط جهان، جامعه بین‌المللی از تنوع و پیچیدگی خاصی برخوردار شد و از این‌رو حوزه مطالعات سیاستهای مقایسه‌ای به عرصه بررسی نظامهای سوسیالیستی نیز کشانیده شد.

تحولات مزبور سبب شد تا پژوهشگران سیاستهای مقایسه‌ای تحت تأثیر «انقلاب رفتاری» با نگاهی جدید نظامهای سیاسی گوناگون را بررسی کنند.

بهره‌گیری از رهیافت علمی و رفتارگرایی، محققان را در وضعیتی قرار می‌داد که اولاً برای مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای حوزه وسیع‌تری را در نظر گیرند؛ ثانیاً تحقیقات خویش را بر اساس واقعیات موجود انجام دهند؛ ثالثاً در مطالعات خود دقت بیشتری - که درخور بررسیهای علمی است - مبذول دارند و رابعاً به نظریه‌های سیاسی نظمی تازه دهند.

به موازات نقشی که نظام سیاسی بین‌المللی در تشکل ساختارها و فرایندهای سیاست داخلی ایفا می‌کند، مرزهای تصنعی میان سیاستهای مقایسه‌ای و سیاست بین‌الملل برداشته می‌شود؛ به نحوی که پژوهشگر سیاستهای مقایسه‌ای ناگزیر است به هنگام مقایسه نظامها و فرایندهای گوناگون، تعامل میان محیط و ساختارهای داخلی و بین‌المللی را در نظر گیرد. در این روند در فرایند مطالعات سیستماتیک، آثار مختصات نظامهای سیاسی ملی بر کارکرد نظام سیاسی بین‌المللی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.